

## روش قضاوت در ایران

منظور از قضاوت و داد رسی جلوگیری از ظلم و تعدی است و نتیجه آن ایجاد امنیت و نظم در زندگی مردم است. امنیت و نظم در کشور وقتی پدید آید که هم از ظلم و تعدی جلوگیری شود و هم از آت ترمیم و جبرانی بعمل آید. این دو وظیفه از همدیگر تفکیک شده است. اولی بعهده مامورین انتظاماتی بر قرار گشته ولی دومی وظیفه اختصاصی داد رس و قاضی است.

وظیفه مامورین انتظاماتی و شهربانی راجع به حفظ نظم عمومی است انجام این وظیفه تا موقعی است که ظلم و تعدی واقع نگشته و صدمه و آزاری بکسی نرسیده است.

اما پس از وقوع جرم و پس از حدوث ظلم و تعدی باید از این تعدیات و از این مظالم ترمیمی و جبرانی بعمل آید. این وظیفه بعهده قاضی و دادرس است.

مادام که ظلمی بوقوع نه پیوسته و مادام که جرمی و بزه‌ی واقع نگشته است قاضی و دادرس وظیفه‌مبشی نخواهند داشت ولی پس از وقوع زیان و ضرر و پس از وقوع تعدی و ظلم در میان افراد شکایتی و اختلافی پدید میشود و مداخله قاضی و دادرس را لازم دارد.

خصوصت و اختلاف ممکن است میان اشخاص پدید آید و در روابط آنان کدورتی رخ نماید و نسبت بهمدیگر پرخاشجو باشند و چنین خصوصت ممکن است از روابط خانوادگی و با از اختلاف در مسلک و عقاید سیاسی و امثال آن ناشی گردد اما هیچکدام به تنهایی برای طرح موضوع در دادگاه کافی نخواهد بود بلکه شرط اصلی در اقامه دعوی و شرط اساسی در دادرسی این است که صحبت از زیان و ضرر و از وقوع ظلم و تعدی در میان باشد.....

قاضی فقط برای ترمیم بی‌عدالتی و برای جبران ظلم و تعدی دادرسی مینماید. ارسطو حکیم یونانی در کتاب اخلاق معتقد شده که مجرم را قاضی

با اجرای کیفر از تمتعی که برده است محروم میکند و از این طریق برابری و تساوی را که لازمه عدالت و دادرسی است برقرار میدارد. بهر صورت مقصود از همه این دادرسیها و قضاوتها ترمیم زیان و جبران بی عدالتی است از اینجبهت شرط اصلی در اقامه هر دعوی اینست که مدعی و خواهان وقوع زیان و ضرر را در دادگاه به اثبات رساند تا قاضی و دادرس بتواند برای احقاق حق حکم به ترمیم و جبران ظلم و تعدی صادر نماید. اکنون باید دید مقصود از ظلم چیست. وقوع زیان و ضرر در چه موقع مسلم خواهد بود؟

صحت از ظلم و مابهت آن بحث فلسفی است و در این مورد ضرورت ندارد. هر فرد انسانی هر قدر عوام و بی اطلاع از مباحث علمی باشد زیان و ضرر را ولو نسبت بخود و کسان خویشان تشخیص میدهد و ظلم را از عدل فی الجمله تفکیک مینماید. هر فرد در درجه اول به حفظ حیات خود و کسان خویش علاقه مند میباشد. از اینجبهت علاقه مند است اشیائی را که برای رفع احتیاجات او در زندگی لازم و مفید است و در تصرف و تسلط خود دارد محافظت کند. این اشیاء بنام مال و ثروت نامیده شده است. چنین اشیاء وقتی به شخص تعلق پیدا میکند که عرف مردم و یا قوانین کشور تسلط شخص را به آنها تجویز کند. مال و ثروت برای شخص وسیله و واسطه برای حفظ حیات و آسایش او است و محروم شدن هر شخص از چنین مال و از چنین دارائی زیان و ضرر او خواهند بود و وارد نمودن چنین زیان و ضرر بنام ظلم و تعدی نامیده شده است.

اما ظلم و بی عدالتی به تعدی در مال منحصر نیست بلکه علاوه از آن تعدی در جان و حیثیت و اعتبارات نیز نوعی از ظلم و تعدی و مهمتر از اولی است. اثرات شوم این قبیل تعدیات و مظالم در زندگانی اشخاص بالا تر از تعدی در اموال است.

ظلم و تعدی خواه در مال و یا در نفس و اعتبارات بزیان و ضرر آنی و کثونی انحصار نیافته بلکه ممکن است وقوع آن نه در زمان حاضر بلکه در زمان آینده و مستقبل حتمی و مسلم شود. چنانچه فرضاً هر گاه شخصی بر اثر برخورد و تصادم با اتوبوس و یا اتومبیل فوت نماید و اطفال و کسان او از نفقه و مخارج روزانه پدر و سرپرست خودشان محروم شوند. اینهم ضرر و زیان است اما وقوع آن در زمان آینده و مستقبل محقق میشود یعنی

تا زمانی که اطفال کبیر شوند و بازماندگان مقتول به کسب اعاشه خود قادر گردند . بهر صورت ترمیم و جبران را لازم دارند .

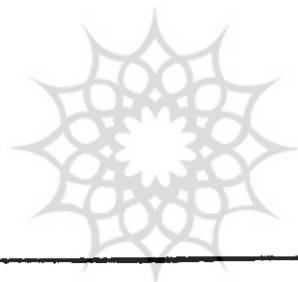
دارائی و مایملک شخص به مال و ثروت مادی منحصر نیست بلکه ثروت معنوی و حیثیت و اعتبارات اشخاص نیز از مایملک واقعی آنان شمرده میشوند . گاهی تعدی و تجاوز در اعتبارات و حیثیت و شرافت اشخاص از حیث ضرر و زیان معنوی و یا مادی افزون تر از زیان مالی خواهند بود و امنیت و نظم همه موقع مقتضی است که از طریق مدنی نیز از این تعدیات ترمیم و جبران بعمل آید .

بنا بر این قاضی و دادرس وظیفه یافته است که از هر نوع زیان و ضرر و از هر گونه ظلم و تعدی خواه مادی و یا معنوی و خواه آنی و یا مالی و خواه جانی و مالی ترمیم و جبران نماید .

نوع زیان و ضرر به تناسب مایحتاج زندگی و مقتضیات محیط تغییر و تبدیل می پذیرد . در زمانی که وسائل حمل و نقل و موتوری و یا ماشین آلات صنعتی و آلات و ادوات برق و امثال آنها وارد زندگی انسانی نگشته بود زیان و ضرر ناشیه از این قبیل وسائل نیز وجود نداشته است . امروزه در روابط مردم انواع و اقسام زیان و ضرر ها از نوع جدید پدید آمده اند . هر اختراع تازه و هر قسم آلات و ادواتی که وارد زندگی مردم میشود زیان و ضرر جدیدی را با خود همراه دارد . از همه این زیان و ضررها باید از طریق مدنی ترمیم و جبران بعمل آید .

کارگری در کارخانه ضمن کار ناقص کشته و یا فوت میکند و یا شخصی در نتیجه تصادم یا وسائل حمل و نقل و موتوری مقتول میشود . و یا بر اثر تأسیس کارخانه در مجاورت خانه ها و از اثر دود و تعفن و صدای آن آسایش و راحتی از مجاورین سلب میگردد و همچنین از حیوانات و اراشیاء بیجان زیان و ضررهای جانی و مالی به مردم وارد میشود و از همه این امور اختلافات و دعاوی در میان آنان حاصل میگردد . این قبیل دعاوی در میان مردم در زندگی امروزی بسیار است . ترمیم از همه این مظالم و تعدیات بعهد قضاوت دادگاهها میباشد . اما متأسفانه در کشور ما از هیچکدام از این تعدیات ترمیمی به عمل نمی آید . حفظ امنیت و آسایش در مدنیت کنونی وابسته به دادرسی در این قبیل دعاوی است .

بعضی از متفکرین در کشور ما تصور مینمایند که در این موضوع قانون مدنی ایران ناقص است. چنین تصور صحیح نیست زیرا هر گاه قانون مدنی در بعضی موارد ناقص میباشد اختیارات قانونی قاضی برای حل و فصل این امور وسیع است و میبانی و قواعد فقهی که در بنیاد و پایه قانون مدنی ایران قرار گرفته کامل میباشد. بلکه نقیصه عمده در روش قضاوت و دادرسی است. در شماره آینده در این خصوص بحث خواهیم نمود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی